

SID



ابزارهای
پژوهش



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری
STES



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقالات ISI

آموزش مهارت های کاربردی
در تدوین و چاپ مقالات ISI



روش تحقیق کمی

روش تحقیق کمی



آموزش نرم افزار Word برای پژوهشگران

آموزش نرم افزار Word
برای پژوهشگران

زیست کارتن خوابی؛ از تلاش ناگزیر برای بقا تا بازسازمان‌یابی اجتماعی*

مرتضی دیاری^۱، غلامرضا غفاری^۲، مهدی کرمانی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۱۳

چکیده

هدف این مقاله مطالعه تجربه زیست کارتن‌خوابی بر مبنای ویژگی‌ها، تمایزها و شرایط حاکم بر آن است. نظام اجتماعی و سازمان موجود در پاتوق‌های کارتن‌خوابی از الگوی رشد شهری، نظام قدرت حاکم بر آن و کنش‌های متقابل همگان طردشده از متن شهر در قلمرو پاتوق متأثر است. این پژوهش به روش کیفی و مبتنی بر تکنیک تحلیل مضمون انجام شده است. به این منظور، مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته با سی‌ودو کارتن‌خواب در شش پاتوق کارتن‌خوابی (مبتنی بر نمونه‌گیری هدفمند) صورت گرفته و داده‌های حاصل با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودی‌ای مورد تحلیل قرار گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد پاتوق‌های کارتن‌خوابی قلمروهایی معیشت‌محور، برخوردار از نظام عرفی تقسیم‌کار با درجاتی از روحیه جمع‌گرایانه هستند که ترکیبی از احساس نیاز به همبستگی اجتماعی، عواطف فردی، حمایت، تسکین آلام و در مجموع هویت بخش را برای ساکنان به همراه دارد. نظام اجتماعی پاتوق «پیشکسوت سالار» و تا حد زیادی مبتنی بر امکان اعمال قدرت فیزیکی و کنترل جریان مواد مخدر در آن است. حدود قابل‌توجهی از آزادی عمل در حوزه کنش‌های فردی که با معیارهای رسمی می‌توان آن‌ها را صورت‌هایی از نابهنجاری به حساب آورد، در پیوند با تأمین حداقلی از هرآنچه تداوم حیات را برای کارتن‌خواب ممکن می‌سازد، نوعی جاذبه مضاعف را برای این قلمروها به همراه دارد. در مجموع می‌توان از منظری درون‌نگرانه، پاتوق را به عنوان یک اجتماع محلی غیررسمی و برخوردار از پویایی و نه صرفاً تجمعی از افراد منحرف و نابهنجار، به حساب آورد.

واژگان کلیدی: اعتیاد، بی‌خانمان (کارتن‌خواب)، پاتوق، تجربه زیسته، شهر مشهد.

*مقاله علمی - پژوهشی، مستخرج از پژوهش مستقل نویسندگان

۱. کارشناس ارشد برنامه ریزی رفاه اجتماعی، دانشگاه تهران. mortezadayyaree@yahoo.com

۲. دانشیار جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران. gaffary@ut.ac.ir

۳. استادیار جامعه‌شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول).

m-kermani@um.ac.ir

The Study of Homelessness: from the Inevitable Struggle for Survival to the Social Reorganization

Dayyari, Morteza¹, Gholamreza Ghaffari² & Mahdi Kermani³

Received: April 5, 2020 Accepted: December 3, 2020

Abstract

The purpose of this paper is to study the lived experience of homelessness based on its characteristics, distinctions and conditions. The social system and organization of homeless hangouts are influenced by the pattern of urban growth, the system of power that governs it, and the interactions of outcasts in the hangout. This research has been done by qualitative method based on thematic analysis technique. For this purpose, in-depth semi-structured interviews with 32 homeless people were conducted in six homeless hangouts (based on targeted sampling) and the data were analyzed using Maxqda software. The results show that homeless hangouts, as a livelihood territory, have a customary system of division of labor with degrees of compulsive collectivism that combine a sense of need for social cohesion, personal emotion, support, relief and identity in the community. The considerable degree of freedom of action in the field of individual action, which by formal criteria can be regarded as a form of anomaly, together with the minimal provision of anything that makes life possible for the homeless, provides a dual attraction for that territory. Finally, from an introspective perspective, the hangout can be seen as an informal, dynamic local community, not merely a conglomeration of perverse and abnormal individuals.

Keywords: Hangout, Homeless, Addiction, city, Life Experience, Tehran.

1. M.A. in Social Welfare, Faculty of Social Sciences, University of Tehran.
mortezaadayyaree@yahoo.com

2. Professor of Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran. ghaffary@ut.ac.ir

3. Assistant professor of Sociology, Faculty of Letters & Humanities, Ferdowsi University of Mashhad (corresponding author), m-kermani@um.ac.ir

مقدمه و طرح مسئله

مسئله بی‌خانمانی در نگاه ساده می‌تواند به‌عنوان پدیده‌ای جمعیت‌شناختی و ریخت‌شناسانه^۱ لحاظ شود. درحالی‌که این مسئله ابعادی فراتر دارد که شناخت درست آن نگرش عمیق‌تری را می‌طلبد. جدای از اقتضائات رویکردهای معرفتی موجود، تمایل کارت‌ن‌خوابان به پنهان شدن و در دید قرار نگرفتن و عدم شمارش دقیق آن‌ها نیز در این نگاه تقلیل‌گرایانه، بی‌تأثیر نبوده است (سیمپسون و همکاران^۲، ۲۰۱۸؛ کری و همکاران^۳، ۲۰۱۳). آمارهای ارائه‌شده در ایران هرچند صورت پراکنده دارند، نشان از افزایش و سیر صعودی کارت‌ن‌خوابی و مراجعه به گرم‌خانه‌ها، در سال‌های اخیر دارد. محدودیت مداخله‌های رسمی به مواردی همچون دستگیری و جمع‌آوری ادواری کارت‌ن‌خوابان و عدم سیاست‌گذاری متناسب با شرایط موجود، در کنار عدم حمایت اجتماعی از بی‌خانمان‌ها در نهایت به تشدید ابعاد مختلف این مسئله منجر شده است.

هرچند در مورد تعریف بی‌خانمانی به‌عنوان یک موقعیت اجتماعی، در بین رویکردهای مختلف، اتفاق نظر وجود ندارد. اما به‌طور کلی می‌توان بی‌خانمان‌ها را افرادی دانست که «اخراج از کار، منزوی شدن، طردشدگی و نادیده گرفته شدن را تجربه کرده‌اند» (تایمر، ایتزن و تالی^۴، ۲۰۱۹: ۲۳). این موارد در کنار محرومیت از مسکن رسمی، مراجعه به فضایی نامناسب برای ادامه حیات را موجب شده است (آندربرگ و دالبرگ^۵، ۲۰۱۹: ۲۹).

در ایران تجمعات نسبتاً پایدار گروه‌هایی از مصرف‌کنندگان مواد مخدر و روان‌گردان که اغلب از آن‌ها به معتادان متجاهر یاد می‌شود، به‌تدریج جلوه‌هایی از حیات کارت‌ن‌خوابی را در محلات مختلف کلان‌شهرها نتیجه داده است. به‌طوری‌که می‌توان در مناطق معینی از قلمروی حاشیه‌ای این کلان‌شهرها و حتی بخش‌هایی از قلمرو رسمی که در مجاورت این حاشیه‌ها قرار دارد، شاهد شکل‌گیری گتوهایی از کارت‌ن‌خوابان بود که به دلایل متنوعی، به‌رغم قرارگیری در نزدیک‌ترین فاصله فیزیکی نسبت به مراکز تصمیم‌ساز، برنامه‌ریز و مداخله‌گر اجتماعی عملاً مورد حدی از کم‌توجهی قرار گرفته‌اند. راونهیل^۶ (۲۰۰۸) در ارتباط با بی‌توجهی فزاینده به

1. morphologic
2. Simpson et all
3. Cray et all
4. Timmer, Eitzen & Talley
5. Anderberg & Dahlberg
6. Ravenhill

بی‌خانمان‌ها، به پدیده فاصله‌گیری اشاره دارد؛ که مطابق با آن مسئله اجتماعی معینی، عامدانه از سوی عاملان ذی‌نفوذ و ذی‌اثر نادیده گرفته می‌شود.

به‌طور کلی مطروودین افرادی‌اند که توانایی سازگاری یا انطباق با جریان اصلی جامعه را ندارند نظیر اشخاص عقب مانده، سالخورده‌گان معلول، افراد مستعد خودکشی، کودکان مورد آزار و اذیت و معتادان به دارو» (فیروزآبادی و صادقی، ۱۳۹۲: ۱۸). اساساً کارتن‌خوابان از مطروودترین گروه‌های آسیب‌پذیر شناخته می‌شوند. بنابراین تلاش برای بقا به سامان‌رسانی گتوهای خودمختار انجامیده است. گتوهای مذکور اغلب قلمروهای نسبتاً خودمختار و خودبسنده‌ای با مرزهایی بسته بر روی جامعه اصلی و متکی بر سازوکارها، قواعد هنجاری و شیوه‌های اداره مختص به خود هستند. این افراد ضمن پنهان‌شدگی در مرزهای بسته پاتوق‌ها بنا بر قول کانینگهام و اسلید^۱ (۲۰۱۹: ۲) «از مسکن بی‌بهره‌اند، خواب مطلوبی ندارند و در گشت‌وگذاری میان خوابگاه‌های موقت و خیابان زندگی می‌گذرانند». مقاومت گتوهای کارتن‌خوابی در مناطق حاشیه‌ای در برابر نفوذ عوامل و جریان‌های حاکم بر بطن جامعه اصلی که در مواردی با عوارض و موانع طبیعی و جغرافیایی مناسب چنین وضعیتی، تشدید شده است، غالباً راه را بر دستیابی به شناختی موثق و همچنین ارزیابی واقع‌بینانه شرایط موجود، به‌منظور برخورداری از زمینه اطلاعاتی مناسب برای پیشبرد سیاست‌گذاری‌ها و مداخله‌های اجتماعی بسته است. در نتیجه، به‌جز برخی آمدوشده‌های ماجراجویانه و یا مداخله‌های مقطعی که نمی‌توان نسبت به اثرگذاری آن‌ها نیز امید چندانی داشت، اقدامات اصلاح‌گرایانه خاصی در آن قلمروها صورت نمی‌پذیرد.

بنا بر توصیف ارائه‌شده، به نظر می‌رسد مواجهات سطحی و گذرا نسبت به پدیده کارتن‌خوابی و شکل‌گیری گتوهای کارتن‌خواب در پیرامون کلان‌شهرها، حاصل چندانی به دنبال نداشته باشد. از این‌رو، انجام مطالعات ژرفانگر و کیفی مبتنی بر ترکیبی از مشاهده‌های دقیق میدانی و همچنین مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌عمیق با عاملان اجتماعی موردنظر، مسیر شایسته‌ای برای شناخت‌یابی و ارائه پیشنهادها کارا در راستای سیاست‌گذاری و تعریف مداخله‌های اجتماعی اثربخش باشد. مقاله حاضر با چنین رویکردی به دنبال آن است تا برآمدن زیست کارتن‌خوابی به‌عنوان یکی از شیوه‌های سامان‌دهی حیات جمعی در دنیای امروز و در پیرامون قلمروهای گسترده حیات کلان‌شهری را به شیوه‌ای پدیدارشناختی و با تحلیل ادراکات

1. Cunningham & Slade

عاملان اجتماعی حاضر در مجموعه‌ای از گتوهای کارتن‌خوابی در دو شهر مشهد و تهران، مورد واکاوی و تحلیل و تفسیر قرار دهد.

مرور پیشینه

دیدگاه‌های نظریه‌پردازان مکتب شیکاگو، به‌رغم برخورداری از منزلت کلاسیک، همچنان از قوت قابل‌تأملی در تحلیل مسائل مختلف مبتلا به حیات اجتماعی شهری برخوردار است. تأکید پارک بر لزوم تبیین نابسامانی‌های جمعیتی و آشفتگی در نظم و انسجام شهری به‌واسطه جابه‌جایی‌های گسترده لایه‌های زیرین نیروی کار در حیات شهری، که وی آن را ناشی از مهاجر بودن و بیگانگی نسبی آن‌ها با حیات اجتماعی-فرهنگی کلان‌شهری می‌داند، مسیری نظری را در فهم شرایط حاکم بر زیست کارتن‌خوابی در قلمروهای کلان‌شهری می‌گشاید. بر این اساس می‌توان کارتن‌خوابان را بخشی از نیروی کار و جمعیت شهر در نظر گرفت که پیوندهای آن‌ها با سایرین به‌دلیل از میان رفتن فرصت‌های کار و زندگی به‌تبع ابتلا به سوء‌مصرف مواد، تا حد زیادی از میان رفته است. اقتصاد پرنفوذ مواد مخدر و وجود فرصت‌های نازل و فاقد منزلت شغلی همچون زباله‌گردی و گردآوری ضایعات به‌شکل روزافزونی بر کمیت این گروه می‌افزاید، تا جایی که تراکم آن‌ها در گوشه‌های مختلفی از متن یا حاشیه قلمرو کلان‌شهر، گتوهای کارتن‌خوابی را نتیجه می‌دهد. مطابق با دیدگاه پارک و برگس، انحرافات و جرم‌ها در نتیجه به‌هم‌ریختگی اجتماعی ازسویی و ازسوی‌دیگر، ناشی از نقش سازمان‌های اجتماعی در بروز آن هستند (لانیر و موام^۱، ۲۰۰۹: ۱۲).

هرچند می‌توان برای بخش‌های مختلف قلمروی یک شهر یا کلان‌شهر، کاربری‌های معین و کم‌وبیش منظمی را متصور شد، اما این کاربری‌ها در طول زمان پایدار نیستند و حسب تغییر و تحولاتی که از لحاظ اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و یا جمعیت‌شناختی در حیات شهری رخ می‌دهد، کاربری‌های مذکور از موضوعیت می‌افتند و یا با موارد جدیدی جایگزین می‌شوند. به‌عنوان مثال، نوارهای حاشیه‌ای کلان‌شهرها که به‌عنوان کمربند سبز و یا لایه محافظتی قلمروی اصلی آن توسط گرداندگان شهر کنترل و محافظت می‌شود، یا به‌عبارت‌دیگر از استقرار رسمی کاربری‌های مسکونی یا صنعتی در آن جلوگیری می‌شود، فضای مساعدی را برای استقرار

1. Lanier & Maume

پراکنده و غیررسمی گتوهای کارتن‌خوابی که متشکل از افرادی طردشده از قلمروی اصلی شهر هستند، فراهم می‌سازد. باین‌حال، سن (به نقل از غفاری و حبیب‌پور، ۱۳۹۴: ۲۸۶) عنوان می‌دارد که اهمیت طرد اجتماعی، نه به دلیل تازگی یا جامعیت آن، بلکه در شفافیتی است که در نقش ترکیب ارتباطی محرومیت قابلیت‌ی و تجربه فقر دارا است.

هرچند طرد اجتماعی و فقر در بسیاری موارد ملازم یکدیگر به حساب می‌آیند، به لحاظ معرفتی به دو امر مجزا اشاره دارند. درحالی‌که فقر را می‌توان ناشی از اختلالی در توزیع عمودی مواهب مادی در جامعه دانست، طرد اجتماعی عمدتاً ناظر بر انقطاع در گره‌های ارتباطی در سطح افقی است. به عبارت دیگر، در طرد اجتماعی به حساب آمدن یا نیامدن و قرار داشتن یا نداشتن درون یک واحد اجتماعی معین، حائز اهمیت است و نه بالا یا پایین بودن موقعیت و مرتبه و به تبع آن میزان دسترسی به مواهب در آن واحد اجتماعی شامل: منابع، بازار کار، خدمات و روابط اجتماعی (هایس، گری و ادواردز^۱، ۲۰۰۸: ۱۰). از این رو، می‌توان ادعا کرد در بسیاری موارد یکی‌پنداشتن فقر و طرد، برنامه‌ریزان و مداخله‌گران اجتماعی را در مواجهه با وضعیت کارتن‌خوابانی که فقیر و مطرود انگاشته می‌شوند، به طور بالقوه دچار انحرافی جدی می‌سازد. در چنین وضعیتی رفع نیازهای اقتصادی و معیشتی در کنار فرایندهای درمانی و سم‌زدایی به‌عنوان سازوکار مقابله با مسئله کارتن‌خوابی مطرح می‌شود؛ درحالی‌که نسبت به مسئله حیاتی طرد اجتماعی توجه چندانی صورت نمی‌پذیرد.

به عقیده هاروی (۱۳۹۵: ۴۱)، روند رونق‌یابی سکونت شهری به تبع فازهای مختلف صنعتی شدن، حتی در کشورهای توسعه‌یافته، عملاً از مرحله‌ای به بعد کاملاً از کنترل خارج شد که در نتیجه آن، ائتلافی ناگزیر از فقیرترین فقرا و پایین‌ترین سطوح از طردشدگان اجتماعی، جماعت‌های بی‌خانمان شهری را شکل دادند. مطابق با برداشتی آزاد از دیدگاه هاروی^۲ (۲۰۱۲)، در ایران نیز بحران مسکن در کلان‌شهرهایی چون تهران و مشهد همراه با تزايد حضور مهاجران تهی‌دستی که با سودای تأمین معیشت، جابه‌جایی را تجربه کرده‌اند، ناگزیری زیست حاشیه‌ای در حین توسعه شهری را نتیجه داده است. تشدید زیست حاشیه‌ای به نوبه خود، سبب شکل‌گیری مناسبات طردشدگان و به حاشیه‌رانده‌شدگانی شده است که در فضایی محصور، در پی تأمین بقا

1. Hayes, Gray & Edwards

2. Harvey

و نیازهای ضروری خود با یکدیگر تشکیل اجتماع داده‌اند. به عبارت دیگر، پاتوق کارت‌ن‌خوابی اساساً نوعی مواجهه با محصورسازی فضای شهری به دست ثروتمندان است. از نظر فوکو، قدرت در همه‌جا حاضر و متکثر است و در نقاط محلی، به مثابه فیزیک قدرت اعمال می‌شود (به نقل از باروز، ۱۳۹۶: ۱۲۴). چه از منظر درون‌نگرانه و چه از حیث نسبت آن با جامعه اصلی، گتوهای کارت‌ن‌خوابی مظاهری از آنچه فوکو (۱۳۹۲) در نظریه گفتمان انضباطی‌اش ارائه می‌دهد، هستند. در واقع شکل‌گیری گتوهای کارت‌ن‌خوابی محصول فرعی فرایندهای انتظام‌بخشی هستند که کج‌رفتاری‌ها و قاعده‌گریزی‌های افراد بی‌خانمان معتاد را در متن شهری بر نمی‌تابند؛ و در نتیجه به‌طور نظام‌مندی نسبت به طرد و بیرون‌راندگی آن‌ها در جهت بازآفرینی و یا لاقل، صیانت از نظم موجود اجتماعی، اقدام می‌کنند. چنین فرایندهایی عمدتاً در قالب اقداماتی برخوردار از پشتوانه‌های علمی و مشروعیت‌یافته در مجامع قانونی، طراحی و پیاده‌سازی می‌شوند. از منظر دیگر، در پی تلاش‌های پردشدگان اجتماعی مورد نظر برای برساختن شبه‌جامعه‌ای متشکل از همگنان خود، آنچه رخ می‌دهد نه برقرار شدن اجتماعی نسبتاً برابر و برادر، بلکه جریان‌یابی صورتی سرسخت و کم‌ویش خشونت‌بار از قدرت انضباطی است که بی‌شبهت به تعبیر فوکو (۱۳۹۲) از قدرت انضباطی در جوامع پیشامدرن نیست. لازم به ذکر است که حتی در حین و بعد از استقرار گتوهای کارت‌ن‌خوابی، همچنان عوامل وابسته به مراکز قدرت در جامعه اصلی، مواجهات دانش‌بنیان خود را برای تحقق نظارت مداوم و کنترل قلمروهای اجتماعی مورد بحث، تداوم می‌بخشند.

پژوهش‌های صورت‌گرفته در حوزه زیست‌خیابانی را می‌توان در حوزه زیست‌روزمره، سیاست‌گذاری اجتماعی و ملاحظات روان‌شناختی و پزشکی دسته‌بندی کرد. در ارتباط با پاتوق‌ها و ویژگی‌های زیست در آن، پژوهش‌های زیادی در ایران انجام نگرفته است. یافته‌های پژوهش کلانتری و دیگران (۱۳۹۵) بیانگر این امر است که منطق بازار و بحران مسکن، تداوم‌بخش کارت‌ن‌خوابی بوده است، از این‌روست که مراجعه به گرم‌خانه‌ها در تهران نیز سیر صعودی داشته است. صدیق سروستانی و نصرافهانی (۱۳۸۹) به زیست‌خیابانی و مصائب آن پرداخته‌اند. مصرف مواد مخدر و زندگی در شرایط غیربهداشتی، زمینه‌ساز بروز بسیاری از بیماری‌های عفونی در این افراد شده است. عدم پذیرش این افراد در مراکز خدمات درمانی و پزشکی مزید بر علت شده تا بسیاری از این افراد از نظر شرایط جسمانی در شرایط اسفباری قرار داشته باشند.

بخشی‌نیا، آقابخشی و ذکایی (۱۳۹۶)، در پژوهشی ضمن طرح مقوله «برزخ گسستگی-وابستگی»، به‌عنوان مقوله محوری حاکم بر زیست کارتن‌خوابی، آن را بیانگر گسستگی فرد از جامعه، خانواده و منابع حمایتی و پیوستن او به گروه کارتن‌خوابی برای جبران فقدان‌ها و محرومیت‌ها عنوان می‌کنند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد کارتن‌خوابی در بستری از عوامل کلان و ساختاری در تعامل با عوامل فردی شکل می‌گیرد، به‌طوری‌که رهایی از آن نیازمند تغییر شرایط اجتماعی افراد مورد‌نظر با همراهی و نقش‌آفرینی مؤثر خودشان است. مطالعه فتحی، رضایی و میرزایی (۱۳۹۷)، مؤید این واقعیت بوده است که «کارتن‌خوابان به برنامه‌ریزی و ارائه خدمات و امکانات با توجه به شرایط واقعی که بتواند آن‌ها را به چرخه اجتماع بازگرداند، نیاز دارند و فقط ایجاد سرپناه موقتی که شب را در آنجا سپری کنند، نمی‌تواند برای این افراد راهگشا باشد».

یکی از فرایندهای منجر به کارتن‌خوابی، به‌ویژه در میان زنان، ازدواج با فرد معتاد بوده است. همچنین طرد اجتماعی زنان توسط خانواده و یا از دست دادن سرپرست در بروز بی‌خانمانی زنان تأثیر ویژه‌ای داشته است (دیاری، ۱۳۹۷). براون و همکاران^۱ (۲۰۱۱) به جریان‌یابی روابط عاطفی و جنسی در نتیجه هم‌زیستی خیابانی اشاره دارند. در این میان، صمیمیت جنسی و عاطفی، رضایت و توافقات شرکا، نحوه روابط را تحت تأثیر قرار می‌دهد. طبق دیدگاه یونگ^۲ (۲۰۰۳) درباره زیست خیابانی، این شیوه زندگی دربردارنده امکاناتی است که خیابان در اختیار کارتن‌خوابان قرار می‌دهد. برای نمونه، کودکان خیابانی از خیابان برای انواع فعالیت‌ها، در زمان روز و شب استفاده می‌کنند. مکان‌های خاص، فرصت‌های متفاوتی برای بقا دارند زیرا اغلب افراد در مکان‌هایی حضور پیدا می‌کنند که امکان کسب درآمد وجود داشته باشد. در زمان‌های مختلف، خیابان‌ها به مکانی برای کار افراد بی‌خانمان تبدیل می‌شوند.

مطابق با پژوهش فلری و همکاران^۳ (۲۰۱۹)، میزان بالای تجربیات آسیب‌زا مانند خشونت خانگی ممکن است نقش مهمی در تجربه بی‌خانمانی یا بی‌ثباتی مسکن برای زنان بی‌خانمان داشته باشد. همچنین تجربیات کودکان در مورد بی‌خانمانی با مشکلات رفتاری و عملکرد ضعیف تحصیلی همراه است. درنهایت باید اشاره داشت که دسته‌ای از پژوهش‌ها به

1. Brown et all

2. Young

3. Fleary et all

سیاست‌گذاری اعمال‌شده در قبال مسکن توجه ویژه نشان داده و این امر را در بی‌خانمان شدن افراد پراهمیت تلقی کرده‌اند. مطالعات واتسون، کرولی و کین^۱ (۲۰۱۶)، بل و والش^۲ (۲۰۱۵) و سامرویل^۳ (۲۰۱۳) به نقش سیاست‌گذاری در حوزه مسکن اشاره داشته‌اند. مسئله دیگر، رویکرد سرمایه‌داری بوده است. به عقیده واتسون و همکاران (۲۰۱۶) و بلچر و دیفورگ^۴ (۲۰۱۲)، رویکرد نولیبرالیسم در تداوم وضعیت بی‌خانمانی، وجهی غالب داشته است.

روش‌شناسی تحقیق

درک و فهم تجربه زیسته، محتاج پژوهش‌های عمقی است که با روش‌های کیفی امکان انجام پیدا می‌کنند. در این شیوه به تعبیر کرسول، محقق در پی تشریح ماهیت پدیده موردنظر و توصیف و تفسیر آنچه مصاحبه‌شونده‌ها تجربه کرده و چگونگی معنا در نزد آنان است (کرسول، ۱۳۹۴: ۸۲). در این تحقیق از روش تحلیل مضمون برای دستیابی به دیدگاهی متقن پیرامون نحوهٔ برساخت پدیدهٔ موردنظر بهره گرفته شده است. داده‌ها با کمک مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختاریافته، با سی‌و‌دو نفر از کارت‌ن‌خوابان ساکن پاتوق‌های کارت‌ن‌خوابی شهرهای تهران و مشهد، که به روش هدفمند‌گزینش شده بودند، مصاحبه عمیق انجام شده است. دلیل اصلی انتخاب این دو شهر در پژوهش حاضر برخورداری هردوی آن‌ها از مختصات کلان‌شهری و نرخ فزایندهٔ حاشیه‌نشینی با ترکیب غالب مهاجران برخاسته از شهرها و مناطق روستایی بوده است که در نتیجه، قلمروها یا پاتوق‌های کارت‌ن‌خوابی در کلان‌شهرهای مورد اشاره، همچون جزیره‌هایی به‌نسبت مستقل از حوزهٔ استحفاظی و رسمی شهر و برخوردار از سیمایی مشترک با یکدیگر هستند. دلیل دیگر بر این انتخاب، تجربهٔ مشابه کارت‌ن‌خوابان در این دو شهر از مواجهه با ترکیبی متنوع از برنامه‌های مداخله‌ای و عوامل اجتماعی مداخله‌گر در قلمروی زیست آن‌ها بوده است.

محقق به‌منظور جلب اعتماد ساکنین پاتوق، با ارائه مدارک شناسایی و توضیح هدف تحقیق همراه با توزیع مواد غذایی و سیگار، موفق به حضور مستمر در پاتوق‌های کارت‌ن‌خوابی شد. همچنین از یک سازمان مردم‌نهاد به‌منظور تأمین امنیت در زمان شب استفاده کرده است. پس از

1. Watson, Crawley & Kane
2. Bell & Walsh
3. Somerville
4. Belcher & DeForge

امکان‌پذیری حضور در پاتوق‌های کارتن‌خوابی، سعی شده است تا افراد با ویژگی‌های سنی، جنسی، معیشتی و مرتبه اجتماعی متنوع برای مصاحبه‌گزینه‌ش شوند. هر مصاحبه بین ۵۰ تا ۱۲۰ دقیقه به طول انجامیده است. جدول شماره یک، سیمای مشارکت‌کنندگان را نشان می‌دهد.

جدول ۱. سیمای مشارکت‌کنندگان

نام	سن	سابقه کارتن‌خوابی	پاتوق	نام	سن	سابقه کارتن‌خوابی	پاتوق
حسین	۴۰	۱۹	ساختمان(م)	محسن	۳۰	۵	کال زرکش(م)
محمود	۳۲	۵	ساختمان(م)	غفور	۴۵	۸	کال زرکش(م)
جاوید	۲۵	۹	ساختمان(م)	کاظم	۱۸	۴	کال زرکش(م)
حسن	۵۴	۱۰	ساختمان(م)	مهدی	۱۲	۴	فرحزاد(ت)
احمد	۵۸	۲۴	ساختمان(م)	محمد	۴۸	۱۸	کال زرکش(م)
علیرضا	۴۵	۲۵	ساختمان(م)	مصطفی	۴۰	۲۵	فرحزاد(ت)
مرتضی	۳۰	۱۴	مولوی(ت)	غلام	۳۹	۱	صدمتری(م)
مسعود	۲۸	۲	مولوی(ت)	سپیده	۳۵	۶	ساختمان(م)
محمد	۱۶	۱	مولوی(ت)	سارا	۱۷	۱	ساختمان(م)
محمدجواد	۲۵	۳	مولوی(ت)	نسترن	۱۵	۲	مولوی(ت)
صابر	۴۵	۲	فرحزاد(ت)	سمیرا	۵۴	۵	مولوی(ت)
مهدی	۴۴	۱۷	فرحزاد(ت)	زهره	۴۱	۳	مولوی(ت)
صادق	۴۹	۳۰	فرحزاد(ت)	فاطمه	۳۶	۸	درویش(ت)
محمدعلی	۲۸	۱۰	درویش(ت)	بهنوش	۲۵	۶	صدمتری(م)
جواد	۲۶	۲	درویش(ت)	زهرا	۲۸	۵	صدمتری(م)
سلمان	۳۶	۱	درویش(ت)	زهرا	۳۸	۶	کال زرکش(م)

به‌منظور تحلیل یافته‌ها، مصاحبه‌ها پس از پیاده‌سازی، در سه مرحله و با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودی‌ایکدگذاری شدند. درنهایت اظهارات مهم فهرست شده و سپس مورد دسته‌بندی قرار گرفته است. درنهایت ترکیبی از توصیف‌ها، شرایط، وضعیت‌ها و چگونگی تجربه‌های مشارکت‌کنندگان (کرسول، ۱۳۹۴) تدوین و نگارش شده است. برای بررسی روایی و پایایی، دو معیار تأییدپذیری و تکرارپذیری (گل‌افشانی^۱، ۲۰۰۳) مورد استناد قرار گرفت. برای بررسی تأییدپذیری نتایج، کدها و مقوله‌های استخراج‌شده به همراه تفسیرهای مربوط به هر یک از آن‌ها، برای بعضی از مشارکت‌کنندگان ارائه و انطباق ادراکات آن‌ها با موارد مذکور، واریسی شد. به‌منظور اطمینان از تکرارپذیری نتایج، در چند مرحله، کدگذاری‌های مجزایی توسط اعضای گروه تحقیق انجام شد که معرف حد بالایی از اشتراک در معانی برداشت‌شده از متن مصاحبه‌ها بود.

یافته‌های تحقیق

آنچه از مشاهده‌ها و مصاحبه‌های انجام‌شده در این پژوهش به دست آمد، مجموعه گسترده‌ای از داده‌های متنی شامل توصیف‌های مربوط به قلمروهای مورد مراجعه و تجارب زیسته کارت‌ن‌خوابان در آن قلمروهای اجتماعی بوده است. تجزیه و تحلیل این داده‌ها، محققان را به صورت‌بندی مقوله‌های اصلی رهنمون شد که ناظر بر ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و فضایی زیست‌کارت‌ن‌خوابی در قلمروهای اختصاصی آن است (تصویر شماره ۱). به‌پشتوانه درهم‌آمیزی این مقوله‌ها و در سطح انتزاعی بالاتری، می‌توان ادراکی از حیات کارت‌ن‌خوابی را ارائه کرد که دربرگیرنده پویایی و پیچیدگی قابل‌توجهی مشابه با آنچه در بسیاری از دیگر اجتماعات انسانی وجود دارد، است. به‌عبارت‌دیگر، گنوه‌های کارت‌ن‌خوابی نمودی از برآمدن اجتماعی خودبسند و درعین‌حال، در خود فرورفته است که علاوه بر تنظیم جریان‌های حیاتی درونی در پی نوعی تعادل‌بخشی میان خود و جامعه اصلی مجاورش است.

1. Golafshani

آسایشگاه کارتن خوابان؛ پاتوق‌ها: محل زندگی بسیاری از افراد کارتن خواب معمولاً در روزهای ابتدایی، پارک‌ها، مراکز تفریحی و معابر خیابان است. این امر به دلیل عدم تمایل به حضور در پاتوق کارتن خوابی و پذیرش برچسب کارتن خواب صورت می‌گیرد. اما نکته حائز اهمیت، عدم امنیت پارک‌ها و مراکز تفریحی و همچنین معابر خیابان‌ها برای کارتن خواب‌ها بوده است.

ابوالفضل «شب اول توی به پارکی خوابیده بودم. نصف شب دو نفر گرفتن زدم هرچی پول و مواد داشتم از من گرفتند نامردا. چندشب بودم هرشب به اتفاق بدتر می‌افتاد. دیدم امنیت نداره توی پارک خوابیدن»

افراد پس از تحمل مشقت زیست در خیابان، در عمل مکانی را بهتر از پاتوق برای خود متصور نیستند. این امر تحت تأثیر تجربه حضور در معابر عمومی، کمپ‌های اجباری، مراکز گرم‌خانه و دیگر اماکن بوده است. حتی برای بسیاری از کارتن خواب‌ها زیست در پاتوق کارتن خوابی به مراتب ساده‌تر از زیست در منزل و هم‌زیستی با اعضای خانواده است.

حامد «توی خونه که بودم برام سخت‌تر از پاتوق بود. شاید خنده‌دار باشه به نظرت چون تو مصرف‌کننده نیستی. اینجا کسی به من سرکوفت نمی‌زنه. مادرم نیست که جلوم بشینه گریه کنه، دنیا رو سرم خراب شه. من اینجا آرومم پاتوق آرومم می‌کنه»

کاریزمای پاتوق در جذب مخاطب: انتخاب پاتوق‌های کارتن خوابی به‌عنوان محل همیشگی زندگی، تا حدی ناشی از کاریزمای پاتوق‌های کارتن خوابی بوده است. فضایی مختص گروهی از معتادان که تجارب ناخوشایندی داشته و گرد هم آمده‌اند. وجه اصلی کاریزمای پاتوق کارتن خوابی، تنوعی از توزیع‌کنندگان مواد مخدر، امکان تجربه مصرف مواد در هر ساعت از شبانه‌روز و احساس آزادی در آن، گذران زمان با هم‌مصرف‌ها و استقلال از دیگران است. به عقیده کارتن خواب‌ها، آزادی عمل در پاتوق‌های کارتن خوابی و عدم مزاحمت‌های همیشگی اعم از فشار برای ترک مواد مخدر، سبب جذابیت پاتوق‌ها بوده است. در واقع ویژگی‌های پاتوق کارتن خوابی متناسب با شرایط آنان یعنی اعتیاد، طردشدگی و جایگزینی شبکه بوده است.

پاتوق به‌مثابه پناهگاه همیشگی: افراد پس از رخدادهای چالش‌زا و طردشدگی گزینه‌های مختلفی را برای زیست در پیش‌روی خود دیده‌اند، اما درنهایت، پناهگاه همیشگی آنان پاتوق‌های کارتن خوابی بوده است. حضور مقطعی در منازل دوستان و خویشاوندان، حضور در

تصویر شماره سه نمای کلی روند مفهوم‌سازی و مقوله‌بندی مربوط به ابعاد اقتصادی پدیده کارتن‌خوابی را نشان می‌دهد.

معیشت‌محور بودگی پاتوق‌های کارتن‌خوابی: وجه پراهمیت هر پاتوق کارتن‌خوابی، معیشت‌محور بودن آن است. وجود عناصر شکل‌دهنده کنش‌های اقتصادی (امکان لازم برای عرضه و تقاضای کالا و خدمات)، سبب می‌شود تا کارتن‌خواب‌ها در فضای پاتوق، امکان کسب مهارت و درآمد را برای خود فراهم سازند. در این پاتوق‌ها، نوعی نظام سازمان‌یافته وجود دارد که هر شخص نقش‌های مشخصی را ایفا می‌کند و افراد می‌توانند شیوه کسب درآمد خود را مشخص سازند.

حمید «اگر همین پاتوق نبود فکر می‌کنی چی به سر این همه آدم می‌ومد؟ اینجا می‌شه پول درآورد و زندگی کرد. وگرنه پاتوق رو جمع کنند چیزی درست می‌شه؟ مثل این می‌مونه که بخوان کارخونه رو تعطیل کنند. کارگرها کجا می‌رن؟»

برخورداری از نظام عرفی تقسیم‌کار: معیشت‌محوری پاتوق‌های کارتن‌خوابی، موقعیت‌هایی را فراهم می‌سازد که در آن هریک از افراد متناسب با توانایی و ظرفیت خود سهمی پیدا می‌کنند. گروهی از گردآوردندگان ضایعات، اقلام موردنیاز فصول سرد سال را میان نیازمندان پاتوق به فروش می‌رسانند. سارقان و قیمت‌گذاران در سویی دیگر در این نظام کسب درآمد کرده و نیازهای حاضرین پاتوق را تأمین می‌کنند. زنان با ارائه خدمات جنسی و دریافت پول یا مواد مخدر نقشی ویژه ایفا می‌کنند. خریداران ضایعات با ارائه تسهیلات به کارتن‌خوابان، شبکه شغلی دیگری را تحقق می‌بخشند و خرده‌فروشان مواد مخدر و خریداران آن در پاتوق‌ها، نظام تقسیم‌کار را تقویت و تداوم می‌بخشند. پرسابقه‌ها نیز با ارائه خدمات مشاوره در حیطة زیست‌خیابانی و تقسیم‌بندی ساحت پاتوق، نقشی ویژه بر عهده دارند.

رسول «زندگی نوی خیابون رو تا خودت تجربه نکنی شاید ندونی چقدر پیچ‌وخم داره. هرکسی به وظیفه‌ای داره. من وظیفه دارم به بچه‌ها خبر بدم که امروز کی و کجا جنس رو پخش می‌کنه. کی جنس بهتری داره...»

شکل‌گیری لایه قشری پیونددهنده پاتوق و شهر: برخی اشتراکات در حوزه اقتصاد مواد مخدر در پاتوق‌های کارتن‌خوابی و اطراف هر پاتوق، موجب پویایی فضای آن شده است. امکان مصرف آزادانه مواد مخدر در پاتوق‌های کارتن‌خوابی، قلمروهایی را به وجود آورده که

و تعاملات درون آن نیز زمینه جذب افراد و کارتن خواب شدن آن‌ها را فراهم کرده‌اند. فضای حاکم بر پاتوق و مناسبات آن سبب شکل‌گیری روح جمعی و همبستگی میان کارتن خواب‌ها شده است. یکی از مصادیق همبستگی میان گروه‌های حاضر در پاتوق‌های کارتن خوابی، مقابله آن‌ها با اقدامات تنبیهی نهادهای انتظامی است. در برخی پاتوق‌ها، افراد با آگاهی‌بخشی به دیگران، از دستگیری هم‌پاتوقی‌ها پیش از ورود نیروها به پاتوق، جلوگیری می‌کنند. به‌عنوان مثال در پاتوق فرحزاد تهران، کارتن خواب‌ها و توزیع‌کنندگان مسلح از قلمروی خود و حاضرین در آن حمایت می‌کنند. هرچند انگیزه این حمایت ممکن است منافع اقتصادی ناشی از مواد مخدر باشد.

محمدحسین «افرادی که توی دره هستند، خب اگر ببینند مأمور میان از دور شلیک می‌کنند. کل پاتوق دست این افراد هست. هم مواد پخش می‌کنند هم هوای بقیه کارتن خواب‌ها رو دارند».

امکان‌پذیری همبستگی میان پردشدگان: افراد کارتن خواب با حضور در پاتوق‌های کارتن خوابی به واسطه تجارب ناخوشایند خود مبنی بر پردشدگی، دارای همبستگی با دیگر اعضای پاتوق بوده و چنین امری تداوم‌بخش زیست کارتن خوابی بوده است. هم‌زیستی با کارتن خواب‌ها و جایگزینی شبکه کارتن خوابی به‌عنوان شبکه اصلی فرد همراه با همبستگی اجتماعی آن‌ها، به همراه وابستگی‌های اقتصادی و معیشتی که ذکر آن رفت، زمینه‌ساز کارتن خوابی و تداوم آن بوده است. لزوماً این همبستگی در زمان کارتن خوابی شکل نمی‌گیرد و افراد قبل از ورود به کارتن خوابی با حضورهای پراکنده در پاتوق‌ها با ساکنین پاتوق احساس همبستگی پیدا می‌کنند.

سپاوش «شب‌ها که دیر می‌رفتم خونه زنم ازم می‌پرسید کدوم گوری بودی؟ می‌گفتم پاتوق. می‌گفتم معرفت همون بچه‌های پاتوق از تو که زنی بیشتره. وجداناً توی پاتوق که می‌اومدم راحت بودم با بچه‌ها».

ظرفیت‌سازی برای تأمین نیازهای عاطفی: هم‌زیستی زنان و مردان کارتن خواب، حضور شبکه دوستان فرد در پاتوق و عضویت در شبکه‌ها، نیازهای عاطفی فرد را تأمین کرده؛ حال آنکه به‌دلیل پردشدگی، این نیاز در کمپ‌های اجباری، زندان و هم‌زیستی با خانواده تأمین نمی‌شود. کارتن خواب‌ها با برقراری روابط درون‌شبکه‌ای نیازهای عاطفی خود را تأمین می‌کنند.

افراد در پاتوق‌ها روابط عاطفی برقرار کرده و در مواردی رابطه عاطفی اعضا در تصمیمات آن‌ها مبنی بر تغییر محل زندگی مؤثر واقع شده است.

سینا «می‌اوادم پاتوق که مصرف کنم یه دختری بود که از زخم بیشتر دوشش داشتم. زخم رو طلاق دادم گفتم بیاد با من زندگی کنه... خونه که اجاره‌اش رفته بود بالا خودمون اول یه مدت رفتیم خونه-پاتوق فرشید. بعدم او مدیم پاتوق.»

زندگی جمعی کارتن‌خواب‌ها در پاتوق‌های کارتن‌خوابی، مانع از انزوا و تنهایی شده و در بستر این زیست جمعی، افراد نسبت به شبکه و گروه هم‌زیست، علقه پیدا می‌کنند. این امر کنش‌های روزمره کارتن‌خواب‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و در مواردی افراد سعی در انجام کنش‌ها به شکل جمعی دارند.

سهیل «من دو روز بچه‌ها رو نمی‌بینم دلم تنگ می‌شه. اینا عین خواهر برادران شدن. چندساله هم رو می‌شناسیم. خیلی شبا کنار آتش شیمون رو صبح کردیم کنار هم. شب‌هایی بود که از شدت سرما نزدیک هم می‌خوابیدیم به هم می‌چسبیدیم که یخ نزنیم نمیریم.»

هویت بخشی به ساکنان: هویت بخشی به اعضای پاتوق، از عوامل زمینه‌ای و تداوم بخش زیست کارتن‌خوابی بوده است. افراد با حضور در پاتوق و عضویت در گروه‌ها، به‌عنوان یکی از اعضای گروه شناخته می‌شوند. تعامل مستمر با اعضای پاتوق‌ها و گذران وقت با گروه‌های کارتن‌خوابی، سبب جایگزینی شبکه افراد و بروز نوعی هویت، مبنی بر هویت گروهی و دوستی با کارتن‌خواب‌ها بوده است. شکل‌گیری هویت جمعی میان اعضای هر گروه و هر پاتوق، مانع از تمایل به پایان کارتن‌خوابی نیز بوده است.

رحمان «همه ساقیا رو خوب می‌شناسیم شماره همشونو داریم هرکی می‌خواد میاد پیش ما چون خیلی‌ها که تازه واردن کسی رو نمی‌شناسن»
هوشنگ «اینجا به گروهمون می‌گن دالتون‌ها. چون همیشه باهمیم و کل روز و شب باهم زندگی می‌کنیم بهمون این لقب رو دادن...»

تسکین بخش ناکامی‌ها: هم‌ذات‌پنداری افراد کارتن‌خواب و هم‌زیستی به‌نوعی مسکن شرایط دشوار کارتن‌خوابی بوده است. بسیاری از کارتن‌خواب‌ها درباره سرگذشت خود، در خلال مصرف مواد و زیست در پاتوق‌ها سخن می‌گویند. شرح ناکامی‌ها و شکل‌گیری روح جمعی در پاتوق‌ها، یک آسایشگاه برای افراد ساخته است. زمانی که افراد از پاتوق به‌ناگزیر جدا

شده و در کمپ‌های اجباری به سر می‌برند، در اندیشه دیدار دوباره اعضای پاتوق، برای اتمام دوره محکومیت لحظه‌شماری می‌کنند.

عظیم «همه هم‌دردهات توی پاتوق‌اند. اینا اعضای خانواده تو هستند نه کسانی که بهت پشت کردند. کسانی که زدنت زمین. من توی اجباری همیشه به این فکر می‌کنم با چی خودمو برسونم پاتوق. کی دوباره رفیق‌هامو ببینم»

حضور پرسابقه‌های الهام‌بخش و تسهیل‌گر: اولین ساعات و روزهای زیست در خیابان به‌عنوان تجربه‌ای نوظهور در زندگی افراد معمولاً با گفت‌وگوهای ویژه پیرامون زیست کارتن‌خوابی با پرسابقه‌های الهام‌بخش همراه بوده است. بخصوص آنکه افراد در ساعات‌های اولیه و روزهای نخست دچار تردید جدی برای تثبیت اقامت خود در پاتوق‌ها بوده‌اند. پرسابقه‌های الهام‌بخش در پاتوق‌ها کسانی هستند که با جزئیات و الزامات زیست در خیابان آشنایی کامل دارند و مبانی زیست در خیابان را به تازه‌واردها آموزش می‌دهند. این افراد نقش ویژه‌ای در تثبیت کارتن‌خوابی بسیاری از تازه‌واردها به پاتوق‌ها داشته‌اند.

ابوذر «برای کسی که تازه میاد سختی زیاد داره اینجا ولی برای ما نه. کسانی که تازه‌واردن خب ما کمکشون کردیم همیشه. یه عده میان می‌بینن نمی‌تونن اینجا دووم بیارن. ولی من حداقل ۵۰ نفر رو تونستم توی همین پاتوق راه بندازم که بتونن خرج خودشونو دربیارن...»

اولویت عضویت در پاتوق بر پایه شناخت پیشینی: شبکه‌های موجود در پاتوق‌های کارتن‌خوابی نه‌تنها در خود پاتوق‌ها، بلکه پیش‌از آن، در زندان‌ها و کمپ‌های اجباری تا حدی شکل گرفته است. افراد در جریان حضور در زندان و یا کمپ‌های اجباری، با تعدادی از پاتوق‌های کارتن‌خوابی، مدیران پاتوق‌ها و همچنین اعضای حاضر در آن آشنایی پیدا کرده‌اند. آشنایی قبلی هم‌پاتوقی سبب جذابیت فضای پاتوق برای طردشدگان بوده است. کارتن‌خواب‌ها اگرچه شبکه خود را با طردشدگی جبری و یا ارادی ازدست‌رفته می‌بینند، اما حضور گسترده هم‌بندان سابق در پاتوق‌های کارتن‌خوابی برای آنان تسهیلگر زیست در خیابان است.

محمدحسین «من احساس تنهایی نمی‌کنم چون خیلی از این بچه‌هایی که شما اینجا می‌بینی رفیق قدیمی ما بودن هم بالا (زندان) هم اجباری (کمپ‌های اجباری). خب وقتی این همه رفیق اینجا داری پاتوق به قول شما جذابیتش بیشتره تا اجباری و خونه و کمپ...»

مقوله‌های ناظر بر بُعد فرهنگی

تصویر شماره پنج نمای کلی روند مفهوم‌سازی و مقوله‌بندی مربوط به ابعاد فرهنگی پدیده کارتن‌خوابی را نشان می‌دهد.



تصویر ۵. مقوله‌های اصلی و فرعی ناظر بر بُعد فرهنگی پدیده کارتن‌خوابی

آزادی عمل و بهنجار پنداری انحرافات اجتماعی در پاتوق: محدودیت‌های اعمال‌شده برای معتادان به مواد مخدر در هنگام هم‌زیستی با خانواده، گذران دوره محکومیت در زندان و کمپ‌های اجباری و سایر محدودیت‌ها در فضای عمومی به منظور مصرف مواد مخدر، بزهکاری و مانند آن، سبب شده تا پاتوق، محلی مناسب برای زیست به نظر برسد. در واقع آزادی عمل و امکانات پاتوق‌ها شامل دسترسی به انواع مواد مخدر، عدم محدودیت در ساعات مصرف و همچنین امکان درآمدزایی در پاتوق مانع از تداوم حضور فرد در شبکه اجتماعی سابقش بوده است.

هاشم «اینکه شما می‌تونید اینجا برای خودت زندگی کنی و کسی کاری به کارت نداره و هر موقع بخوای میری دنبال پیداکنی (جمع‌آوری ضایعات) یا میری دنبال زن یا مواد، [این] چیز کمی نیست...»

نقش محوری قدرت فیزیکی در تنظیم مراودات اجتماعی: طردشدگی کارتن‌خواب‌ها به همراه احساس خشم و حضور آنان در پاتوق‌های کارتن‌خوابی، همراه با مناسبات قدرت در هریک از پاتوق‌های کارتن‌خوابی است. افراد در پاتوق‌های کارتن‌خوابی یا اعمال قدرت کرده و یا تحت قدرت دیگران قرار دارند. در پاتوق‌های کارتن‌خوابی، کارتن‌خوابان بزهکار، پرسابقه، مسلح و گروه‌محور از قدرت زیادی برخوردار بوده و اعمال قدرت می‌کنند. به سبب مناسبات قدرت، بسیاری از کارتن‌خواب‌ها ترجیح می‌دهند روابط خوبی با مدیران پاتوق‌ها و اعضای پرنفوذ پاتوق برقرار کنند.

شکیب «توی پاتوق باید کلاه خودتو سفت بچسبی. بعضیا میان ازت زورگیری می‌کنند. باید با گنده‌ها بُر بخوری تا بقیه بهت دست‌درازی نکنند. خیلی سخته که تنها بخوای سر کنی.»

مناسبات قدرت در پاتوق‌ها دربردارنده اعمال خشونت‌بار کارتن‌خواب‌ها علیه یکدیگر بوده و بسیاری از کارتن‌خواب‌ها به واسطه خشم و قدرت در پاتوق‌ها، آن را مثبت ارزیابی کرده‌اند. مناسبات قدرت شامل توزیع مواد مخدر، محل خواب در پاتوق، روابط با زنان کارتن‌خواب و موارد مشابه می‌شود.

صالح «دخترای خوب پاتوق رو کله‌گنده‌های پاتوق برمیدارن برای خودشون. اگه بری سمتشون خونت گردن خودته. سر این چیزا کله‌گنده‌های پاتوق شوخی ندارن.»

محمدجعفر «اگه بدخواه داشته باشی و اون بدخواه هم گردن‌کلفت پاتوق باشه حسابت با کرام‌الکاتبینه. نمی‌ذارن آب خوش از گلوت پایین بره...»

تقدیرگرایی به‌عنوان وجه غالب نظام باورها در پاتوق: باور به کارتن‌خوابی و پذیرش آن در قالب تقدیر یکی از ویژگی‌های اصلی ساکنین پاتوق‌های کارتن‌خوابی است. افرادی که سال‌ها در پاتوق‌های کارتن‌خوابی زیست می‌کنند، این شیوه زندگی خود را تقدیر دانسته و هم‌زیستی با دوستان خود در شبکه‌های کارتن‌خوابی را پذیرفته‌اند.

محسن «خدا خواسته که ما بی یار و مؤنس باشیم... [باید] سرنوشت خودت رو قبول کنی. لازم نیست هی سرتو بکوبی به دیوار که آخ من چرا کارتن‌خوابم... سرنوشت این‌طور خواست. خدا این‌طور خداست. ما که نمی‌تونیم نخوایم»

رونق‌یابی منش حمایتگری در پاتوق: منش حمایتگری بخصوص در گروه‌های قدیمی کارتن‌خواب یافت می‌شود. مشاهده منش حمایتگری، خود مبلغ زیست کارتن‌خوابی برای افراد تازه‌وارد و مانع جدایی از پاتوق بوده است. به‌ویژه برخورداری از اعتبار به‌منظور دریافت مواد مخدر و جلب حمایت ساکنین پاتوق، امری اساسی در پاتوق‌نشینی کارتن‌خواب‌ها بوده است.

یوسف «من هر موقع مواد بخوام بچه‌ها بهم تعارف می‌کنند، [حتی اگر] پول نداشته باشم...

نمی‌دارن خماری بکشی. مثل کوه پشتت هستن این داداشات.»

منش حمایتگری، گاهی عامل جابه‌جایی افراد در پاتوق‌ها بوده است. به عقیده کارتن‌خواب‌ها، برخی پاتوق‌ها چندان برای زیست مناسب به نظر نمی‌رسند. دلیل این موضوع، عدم وجود منش حمایتگری در پاتوق‌هاست. در نهایت افراد ترجیح می‌دهند بیشتر در پاتوق‌هایی زیست کنند که در آن این نوع منش وجود دارد.

رفوف «پاتوق آزادگان آقا بدپاتوقیه. چند نفر اونجا اسلحه دارند هر غلطی می‌خوان می‌کنند.

دیگه نگم برات. از تجاوز گرفته تا زورگیری. اونجا هر کسی نمی‌تونه زندگی کنه...»

تنظیم کنش‌های حساس مبتنی بر مرام‌نامه‌های شفاهی: در ارتباط با کنش‌های حساس،

مرام‌نامه‌هایی شفاهی و انضمامی در هر پاتوق در جریان است. این امر به جذابیت‌های پاتوق‌های کارتن‌خوابی افزوده است. یکی از مرام‌نامه‌های پنهان در هر پاتوق، اشتراک‌گذاری مواد مخدر با دیگران است. افراد در صورت نداشتن منابع مالی برای تأمین مواد مخدر، می‌توانند با درخواست از افراد دیگر، در استعمال مواد مخدر شریک شده و در روزهای بعد هزینه آن را پرداخت کنند. از دیگر مرام‌نامه‌های اصلی هر پاتوق، حمایت از زنان کارتن‌خواب است. بسیاری از زنان کارتن‌خواب بدون درآمدزایی از طریق جمع‌آوری ضایعات، تکدی‌گری و روسپی‌گری، تحت حمایت مردان قرار داشته و این امر گاهی بدون هرگونه مراوده جنسی صورت می‌گیرد. مرام‌نامه‌ها می‌تواند از هر پاتوق به پاتوق دیگر متفاوت باشد.

ساناز «خب نمی‌تونم مواد جور کنم چون درآمدی ندارم. همامو دارن همیشه چون یه قانون

نانونشته داریم که اگه دیدی زنی خماره کمکش کن. اینجا مردای کارتن‌خواب روی زن‌هایی

که زندگی می‌کنند توی این شرایط غیرت دارند هوشونو دارند.»

حبیب «خیلی پیش میاد که کسی حالش خوب نبوده نتونسته مال بیاره مواد بخره. میاد

می‌شینه ما بهش دود می‌دیم. فردا پس فردا خودش پس می‌ده. اگه این کارو نکنه خب

می‌فهمیم مفت کش بوده یارو. ولی این حرفا نیست. بچه‌ها نامردی نمی‌کنند.»

بحث و نتیجه گیری

کارتن خوابان به عنوان طردشدگان اجتماعی در پی دستیابی به حداقل‌های مورد نیاز خود، پاتوق را ایمن‌گاهی می‌یابند که در آن امکان هم‌زیستی با شرکای خیابان‌گرد و پاتوق‌نشین را دارا هستند. نتایج این پژوهش نشان‌دهنده معیشت‌محوری پاتوق‌ها از سویی و جریان‌یابی روح جمعی در فضای محصور پاتوق‌های کارتن‌خوابی، از سوی دیگر، است. پنهان‌بودگی پاتوق‌ها و برقراری انواعی از تعامل میان کارتن‌خوابان، نوعی هم‌زیستی پویا را پدید آورده است. اساساً طردشدگی و ناگزیری در پاتوق‌نشینی، جماعتی در خود فرورفته از تهی‌دستان طردشده را نتیجه داده است؛ گویی که این امر محصول برخوردهای تنبیهی و تحقیری جریان طردکننده است. یافته‌های پژوهش حاضر، مشابه تحقیقات واتسون و همکاران (۲۰۱۶)، بلچر و دیفورگ (۲۰۱۲) و کلانتری (۱۳۹۵)، در بردارنده حاکمیت منطق بازار است که با هم‌بودگی خیابانی و هم‌زیستی کارتن‌خوابان ساکن در پاتوق‌ها، احتمالاً و تا حدی محصول آن است.

طردشدگی کارتن‌خوابان که در پژوهش حاضر مورد توجه قرار گرفته است، مطابق با پژوهش‌های صدیق سروستانی و نصرافهانی (۱۳۸۹)، یونگ (۲۰۰۳) و فلری و همکاران (۲۰۱۹)، عمیقاً به جریان یافتن فقر شدید در زیست افراد و تبلور آن در جای‌جای زیست خیابانی دامن زده است. بخشی از یافته‌های پژوهش حاضر، منطبق بر یافته‌های پژوهش بل و والش (۲۰۱۵) و سامرویل (۲۰۱۳) است که مبتنی بر آن عدم توانایی تأمین سرپناه مناسب در قلمروی اصلی شهر، نقش کلیدی در بروز بی‌خانمانی، ایفا کرده است. در واقع همان‌طور که براون و همکاران (۲۰۱۱) اشاره کرده‌اند، هم‌زیستی خیابانی و مناسبات عاطفی و جنسی طردشدگان در نتیجه عدم برخورداری از سرپناه و در حکم تلاشی برای پیگیری حداقلی نیازهای انسانی بوده که در عمل نوعی سبک زندگی جدید را پدیدار ساخته است.

محرومیت عمده از مزایای اجتماعی و فقر شدید، همان‌گونه که در نظریه هاروی (۲۰۱۲) نیز بدان تأکید شده، مقوم اصلی زیست حاشیه‌ای بوده است. بر این اساس، رونق‌یابی زیست شهری و راندن تهی‌دستان معتاد به عمیق‌ترین لایه‌های حاشیه‌ای اگرچه آنان را از شمایل شهری حذف کرده؛ اما هم‌زیستان پنهان‌شده در این گتوها، خود دارای جریان قدرتی هستند که البته در وهله نخست، در پی تأمین بقای خود و سپس تضمین حیات اعضای گتو است. شکل‌گیری گتوهای کارتن‌خوابی، آن‌طور که از گفتمان قدرت فوکو (۱۳۹۲) برمی‌آید، محصول فرایندهای

انتظام بخش‌اند. نادیده‌انگاری معتادان تهی‌دست ازسویی، و ازسوی‌دیگر به‌حاشیه‌راندگی و عدم حمایت اجتماعی از آنان، نه‌تنها مسئله را بهبود نبخشیده؛ بلکه در عمل به تمایل به پنهان‌بودگی ازسوی آنان به‌سبب برخورد انتظامی با آنان منجر شده است.

حساسیت موضوعی بی‌خانمانی، لزوم ارائه خدمات تسهیلگری را نتیجه می‌دهد. به‌عبارت‌دیگر، جایگزینی امر بازپیوند طردشدگان و شبکه‌های اجتماعی و پرهیز از تداوم مداخله‌های تنبیهی، موضوعی اساسی به نظر می‌رسد. در حقیقت ضروری است که میان طردشدگان معتاد و بدنه اصلی شهری، پیوندی نیرومند برقرار شود. پیاده‌سازی رویکرد جرم‌انگارانه به پدیده اعتیاد و کارتن‌خوابی با عناوینی چون «معتادان متجاهر» و یا «معتادان سارق و بزهدکار»، نتیجه مطلوبی را به‌دست نداده و این امر مقوم مسئله طردشدگی و تداوم کارتن‌خوابی و همچنین پدیدار شدن سایر مسائل و پیامدها بوده است. در این وضعیت احیای ریشه‌های باقی‌مانده از روابط کارتن‌خوابان با زندگی شهری و خانوادگی همراه با اعمال روحیه حمایت‌گرانه و تخصیص خدمات اجتماعی بسیار ضروری است. منظور از فرصت مجدد نه تخصیص غذا یا پوشاک، بلکه بازسازی زمینه بازگشت و حمایت از کارتن‌خوابان در تمامی عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است. بر این اساس پیشنهادهای کاربردی زیر قابل طرح است:

- ارائه آموزش‌های پیشگیرانه و توزیع ابزارهای مراقبتی به‌منظور سامان‌دهی مسائل جنسی در پاتوق‌ها در کنار غربالگری و انتقال افراد دارای شرایط خاص (به‌ویژه مبتلایان به اچ‌آی‌وی) به کمپ‌های اختصاصی
- سامان‌دهی مداخله‌های اجتماعی، امنیتی و مراقبتی در پاتوق‌های کارتن‌خوابی از طریق عقد تفاهم‌نامه‌های فراگیر بین سازمان‌های دولتی، عمومی و غیرانتفاعی ذی‌اثر
- تمرکز بر تسهیلگری شرایط زندگی متأهلی در پاتوق‌های کارتن‌خوابی برای زوج‌های کارتن‌خواب، در راستای جلوگیری از روند فزاینده آشفته‌گی مناسبات جنسی در قلمروهای اجتماعی مذکور
- نظارت‌پذیر ساختن فعالیت‌های معیشتی به‌نسبت مشروع و درعین‌حال غیررسمی همچون گردآوری و تفکیک زباله، باهدف منقطع ساختن زنجیره تأمین و توزیع مواد مخدر در قلمروهای حاشیه‌ای هم‌زمان با اجرای برنامه‌های جامع و مداوم ترک اعتیاد در اجتماعات هدف.

منابع

- باروز، روجرز؛ پلیس، نیکلاس؛ کویلگارس، دבורا (۱۳۹۶). بی‌خانمانی و سیاست‌گذاری اجتماعی، ترجمه محمدخانی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی شهرداری تهران.
- بخشی‌نیا اکبر؛ آقابخشی، حبیب؛ ذکایی، محمدسعید (۱۳۹۶). فهم تجربه زیسته افراد کارت‌ن‌خواب در شهر تهران، پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، ۳(۱۱): ۲۱۴-۲۶۲.
- دیاری، مرتضی (۱۳۹۷). تحلیل روایت طرد اجتماعی زنان کارت‌ن‌خواب در شهر تهران، (طرح پژوهشی)، تهران: مرکز مطالعات زنان دانشگاه تهران.
- صدیق سروستانی، رحمت‌اله؛ نصر اصفهانی، آرش (۱۳۸۹). اعتیاد، طرد اجتماعی و کارت‌ن‌خوابی در شهر تهران؛ پژوهشی کیفی، بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱(۴): ۱-۱۱۸.
- غفاری، غلامرضا؛ حبیب‌پور گنابی، کرم (۱۳۹۴). سیاست اجتماعی؛ بنیان‌های مفهومی و نظری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- فتحی، منصور؛ رضایی، حسین؛ میرزایی، سبجان (۱۳۹۷). تبیین عدم تمایل کارت‌ن‌خوابان شهر تهران در استفاده از گرمخانه‌های شهرداری: یک مطالعه کیفی، تحقیقات کیفی در علوم سلامت، ۷(۳): ۲۷۹-۲۸۷.
- فوکو، میشل (۱۳۹۲). مراقبت و تنبیه: تولد زنان، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، چاپ یازدهم، تهران: نشر نی.
- فیروزآبادی، سیداحمد؛ صادقی، علیرضا (۱۳۹۲). طرد اجتماعی: رویکردی جامعه‌شناختی به محرومیت (بررسی مفهومی، دیدگاه‌های نظری و مطالعات موردی در ایران)، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان
- کرسول، جان (۱۳۹۴). پویای کیفی و طرح پژوهش، انتخاب از میان پنج رویکرد (روایت‌پژوهی، پدیدارشناسی، نظریه داده‌بنیاد، قوم‌نگاری و مطالعه موردی). ترجمه حسین دانایی‌فرد و حسین کاظمی. تهران: انتشارات صفار، چاپ دوم.
- کلانتری، عبدالحسین؛ روشنفکر، پیام؛ نصر اصفهانی، آرش؛ آرام، هاشم (۱۳۹۵). سیاست‌گذاری اجتماعی در مواجهه با پدیده کارت‌ن‌خوابی، تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران؛ گروه پژوهش‌های راهبردی اجتماعی و فرهنگی.
- هاروی، دیوید (۱۳۹۵). از حق به شهر تا شهرهای شورشی، ترجمه خسرو کلانتری و پرویز صداقت، تهران: انتشارات آگاه.

- Anderberg, M., & Dahlberg, M. (2019). Homelessness and Social Exclusion in Two Swedish Cities. *European Journal of Homelessness*, 13(1), 31-58.
- Belcher, J. R., & DeForge, B. R. (2012). Social stigma and homelessness: The limits of social change. *Journal of Human Behavior in the Social Environment*, 22(8), 929-946.
- Bell, M., & Walsh, C. A. (2015). Finding a Place to Belong: The Role of Social Inclusion in the Lives of Homeless Men. *Qualitative Report*, 20(12): 1974-1994.
- Brown, R. A., Kennedy, D. P., Tucker, J. S., Wenzel, S. L., Golinelli, D., Wertheimer, S. R., & Ryan, G. W. (2012). Sex and relationships on the street: how homeless men judge partner risk on Skid Row. *AIDS and Behavior*, 16(3), 774-784.
- Cray, A., Miller, K., & Durso, L. E. (2013). Seeking shelter: The experiences and unmet needs of LGBT homeless youth. *Washington, DC: Center for American Progress*. (Retrieved from: <https://www.americanprogress.org>)
- Cunningham, M. J., & Slade, A. (2019). Exploring the lived experience of homelessness from an occupational perspective. *Scandinavian journal of occupational therapy*, 26(1), 19-32.
- Fleary, S. A., Joseph, P., Zhang, E., & Quirion, C. (2019). "They give you back that dignity": understanding the intangible resources that make a transitional house a home for homeless families. *Journal of Social Distress and the Homeless*, 28(1), 72-84.
- Golafshani, N. (2003). Understanding reliability and validity in qualitative research. *The qualitative report*, 8(4), 597-606.
- Harvey, D. (2005). *Spaces of neoliberalization: towards a theory of uneven geographical development* (Vol. 8). Franz Steiner Verlag.
- Harvey, D. (2012). *Rebel cities: From the right to the city to the urban revolution*. Verso books.
- Hayes, A., Gray, M., & Edwards, B. (2008). *Social inclusion: Origins, concepts and key themes*. Canberra: Social Inclusion Unit, Department of the Prime Minister and Cabinet.
- Lanier, C., & Maume, M. O. (2009). Intimate partner violence and social isolation across the rural/urban divide. *Violence against women*, 15(11), 1311-1330.
- Ravenhill, M. (2008). *The culture of homelessness*. Ashgate Publishing, Hampshire, UK.
- Simpson, E. K., Conniff, B. G., Faber, B. N., & Semmelhack, E. K. (2018). Daily occupations, routines, and social participation of homeless young people. *Occupational Therapy in Mental Health*, 34(3), 203-227.
- Somerville, P. (2013). Understanding homelessness. *Housing, theory and society*, 30(4), 384-415.
- Timmer, D. A., Eitzen, D. S. & Talley, K. D. (2019). *Paths to homelessness: Extreme poverty and the urban housing crisis*. Routledge.
- Watson, J., Crawley, J., & Kane, D. (2016). Social exclusion, health and hidden homelessness. *Public Health*, 139, 96-102.
- Young, L. (2003). The 'place' of street children in Kampala, Uganda: marginalisation, resistance, and acceptance in the urban environment. *Environment and planning D: Society and Space*, 21(5), 607-627.

SID



ابزارهای
پژوهش



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری
STES



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



کارگاه آموزشی
آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقالات ISI

آموزش مهارت های کاربردی
در تدوین و چاپ مقالات ISI



کارگاه آموزشی
روش تحقیق کمی

روش تحقیق کمی



کارگاه آموزشی
آموزش نرم افزار Word برای پژوهشگران

آموزش نرم افزار Word
برای پژوهشگران